

HIROSHIMA تاریخ از تصویر

حسین نیرومند

پیش از آنکه به نقد و بررسی برخی از فیلم‌های به نمایش درآمده در جشنواره فیلم انیمیشن هیروشیما بپردازیم تذکر چند نکته را ضروری می‌دانیم. نخست آنکه اگر بگوییم انیمیشن یکی از تصویری‌ترین هنرهای است افرای نکرده‌ایم. اگر در سینمای زنده کارگردان‌ها همواره با مجموعه‌ای از عوامل ثابت و محدودکننده در کاربندی تصاویرشان سروکار دارند و ناچارند تصاویر و زاویه دید خود را با این‌گونه عوامل سازمان بخشند، یک انیماتور می‌تواند همه عناصر صحنه خود را آنچنان که مایل است و احساس می‌کند که باعث تقویت ساختار زیبایی‌شناسانه تصویرش می‌شود سازماندهی کند. نقش ویژه تخیل در ساخت یک فیلم انیمیشن امتیازی است که این هنر را از سینمای زنده برتری بخشیده، آن را به عنوان یکی از تصویری‌ترین هنرها مطرح می‌کند.

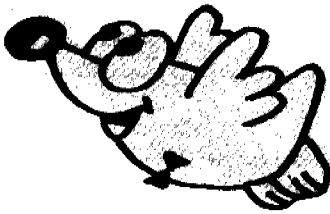
حالا با این وصف چگونه می‌توان این هنر را در قالب نقد نوشتاری مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. راه حل همان است که نشریات سینمایی عمل می‌کنند. یعنی نه تمامیت یک فیلم بلکه تنها ساختار روایی و داستانی آن مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و احتمالاً برخی از ویژگی‌های آن ذکر می‌گردد.

دوم آنکه به عللی که پیش از این نیز به آن اشاره شده است، نگارنده موفق به دیدن همه فیلم‌های جشنواره نشد، از این رو برای معرفی برخی از آنها تنها به ترجمه خلاصه داستان‌شان بسنده گردید. سوم آنکه به اعتقاد نگارنده برخی از فیلم‌های به نمایش درآمده هیچ نوع ویژگی خاص و قابل بررسی نداشتند، در این موارد نیز تنها داستان آنها نقل شده است.

چهارم آنکه: از بین فیلم‌های بخش مسابقه فیلم‌های مورد بررسی قرار گرفته‌اند که موفق به دریافت جایزه از ششمین دوره جشنواره شده‌اند.

و کلام آخر اینکه نقد و بررسی در حد نیاز نشریه و البته مهمتر در حد توان نگارنده است امید است مورد توجه قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





تکرار



レペテ
Repete

کارگردان: میخائیلا پاولووا (Michaelia pavla-tova)

تهیه کننده: داگمارا یوراگوا (Dagmarā gurako-va)

این فیلم نشان می‌دهد که ما به وجود آورنده مکانیزمی هستیم که تعیین کننده زندگی ماست. سه زوج فرمیز، سبز و ابی سالهاست که تلاش می‌کنند تا از کارهای روزمره تکراری رهایی یابند.

آیا سینماگران و انیماتورها هنگامی که آستین بالا می‌زنند تا بر مبنای موضوعی فیلمی بسازند، می‌توانند میزان موفقیت خود را پس از تولید نهایی فیلم پیش‌بینی کنند؟

در شرایط معمول، این امر کاملا قابل پیش‌بینی است. اگر نویسنده یا کارگردان به موضوعی دست یابد که آن موضوع متناسب با ذات هنر سینما بوده، به گونه‌ای که تنها قالب مناسب بیانی آن تنها هنر تصویر متحرک باشد، آنگاه می‌توان پیش‌بینی کرد که کارگردان دربرگردان سینمایی موضوع اثری ارزشمند را خواهد آفرید.

انتخاب و دستیابی به اینگونه موضوعات به اعتقاد نگارنده مهمترین و البته مشکلترین بخش فعالیتی که هر هنرمند در روند آفرینش یک اثر هنری با آن روبروست. متاسفانه، باید گفت که اغلب هنرمندان، کمتر به این مسئله بسیار مهم و اساسی توجه دارند.

«تکرار، از اندک فیلم‌هایی است که گویا موضوع آن تنها برای قالب انیمیشن خلق شده است. من فکر می‌کنم همین مسئله سبب شده تا این فیلم جایزه نخست ششمین جشنواره هیروشیما را به خود اختصاص دهد.

فیلم با حرکت پاندول واریک تاب آغاز می‌شود. سپس مردی نشان داده می‌شود که قلاده سگش را محکم گرفته و در خیابانها پرسه می‌زند و از برابر چشمان خیره‌اش هیچ چیز پنهان نمی‌ماند. در ماجرای دیگر، مردی برای جلب توجه دختری خود

را حلق آویز می‌کند. دخترک با قیچی طناب را می‌برد و مرد رهایی می‌یابد. اما پیسسی توجهی او یکبار دیگر مرد را و می‌دارد که خود را حلق آویز کند. دختر بار دیگر طناب را می‌برد.

در صحنه‌ای دیگر، مردی سخت مشغول مطالعه است. در این حال، همسرش چراغ آویز سقفی را بالا داده، با چنگال غذا به دهان او می‌گذارد. مرد غذا را هنوز کامل نجویده، چراغ را پایین می‌کشد و به مطالعه ادامه می‌دهد. این عمل چند بار تکرار می‌شود. به همین ترتیب چند حادثه دیگر نیز تکرار می‌شود.

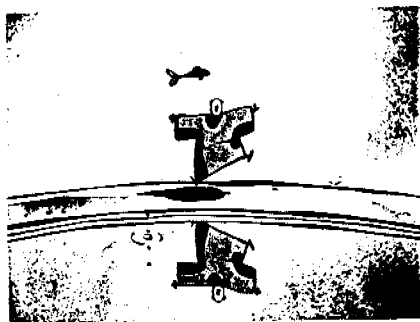
قدم زدن‌های متوالی یک شخص و یا هر نوع حرکت دیگری در یک فیلم انیمیشن معمولا حاصل تکرار یک سیکل حرکتی است. این مطلب از این رو بیان شد تا اهمیت نقش تکرار را در سینمای انیمیشن متذکر شویم. تکرار حرکات بخش عمده‌ای از زحمات طاقت‌فرسای یک انیماتور را می‌کاهد به شرط آنکه سبب بروز یکنواختی کسالت بار در روند فیلم نشود. تکرار در فیلم «تکرار» نه تنها خسته کننده و کسالت بار نمی‌نماید، بلکه بسیار پذیرفتنی و جذاب است. به عبارتی، تکرار همه ماجرا همانند یک سیکل حرکتی در ساختار فیلم تنیده شده است، و تقریبا تا انتهای فیلم بارها و بارها ماجراهای قبلی تکرار می‌شود، بدون آنکه یکنواختی را در اثر پدید آورد.

وقتی سگ نخستین بار در مقابل این زندگی یکنواخت طغیان می‌کند؛ یکباره همه شخصیت‌های فیلم نیز در مقابل زندگی یکنواخت شان واکنش نشان می‌دهند، به گونه‌ای که درحالتی که حس به پایان رسیدن فیلم در بیننده ایجاد می‌شود، تیراژ پایانی فیلم بار دیگر ظاهر می‌شود. این بار شخصیت‌های ماجراهای قبلی جای خود را با یکدیگر عوض می‌کنند. و در صحنه‌های همدیگر ظاهر می‌شوند. زنی که به مرد غذا می‌داد، این بار به مردی که حلق آویز شده بود، غذا می‌دهد. زنی که با قیچی طناب دار را می‌برد اینبار سیم چراغ آویز را می‌برد.

تکرار یکنواخت ماجرا در طول داستان بینندگان را متقاعد می‌کند که فیلم باید با واکنش سگ و دیگر شخصیتها به پایان برسد و تیراژ پایانی نیز این امر را تایید می‌کند. اما عوض کردن جای شخصیت‌ها همراه با تعویض منطقی کنش و واکنش آنها به قدری فیلم را جذاب می‌نماید که همه تماشاگران، حتی عبوس‌ترین آنها، را به خنده وا می‌دارد.

تکرار ماجراهای متنوع اگر در طول داستان تداوم نمی‌یافت، کارگردان هرگز موفق نمی‌شد تماشاگران را اینگونه غافلگیر کند، هر چند نباید نقش بسیار مؤثر موسیقی متن فیلم را نیز دست کم گرفت.

به هر حال آنچه بیان شد نشانگر آن است که ساختن فیلمی با موضوع «تکرار» تنها در قالب انیمیشن است که می‌تواند به دنیای اندیشه فرصت ظهور و بروز تصویری دهد.



راهب و ماهی

お坊さんと魚
The Monk and the Fish

کارگردان: میشل دودوک دوویت (Michael Dudok de Wit)

تهیه کننده: پاتریک ارنو (Patrick Ereno) این فیلم داستان راهبی است که متوجه می‌شود در آب انبار نزدیک صومعه‌اش یک ماهی زندگی می‌کند. ماهی تمام ذهن راهب را به خود مشغول می‌کند و وی تلاش می‌کند تا به هر شکل آن را بگیرد. داستان فیلم به تدریج سمبلیک می‌شود.

از نخستین نمای آغازین فیلم، بیننده شیفته رابطه میان ماهی و راهب می‌شود و همین علاقه سبب می‌شود داستان را تا انتهای پی گیرد. تلاش راهب برای صید ماهی لحظاتی بسیار زیبا و دلنشین را می‌آفریند.

این لحظات در نماهای باز که بیشتر به سن تئاتر می‌ماند با خطوط کناره نمای سیاه و رنگهای گرم، زرد و نارنجی و با همراهی ضربیه آهنگهای موزون موسیقی کلاسیک ماجرای فیلم را از لایه‌ای واقع نمایانه به بستری نمادین هدایت می‌کند تا مضمون زیبایی فیلم به بهترین شکل ممکن به بینندگان منتقل شود.

بی‌تردید، موفقیت این فیلم در کسب رتبه دوم جشنواره ششم را باید مدیون همین مضمون دانست.





کوئست

クエスト Quest

کارگردان: تیرون مونت گومری (Thron Mont-gomery)

تهیه کننده: توماس استل میچ (Thomas Stell-mach)

«کوئست» نام عروسکی شنی است که سرزمین شن‌ها را برای یافتن آب ترک می‌کند. او در دنیای کاغذی، سنگی و آهنی سرگردان شده و در جستجوی آب به همه جا می‌رود. در پایان عروسک شنی موفق به پیدا کردن آب می‌شود، اما برای رسیدن به هدف راه غم‌انگیزی را پشت سر می‌گذارد.



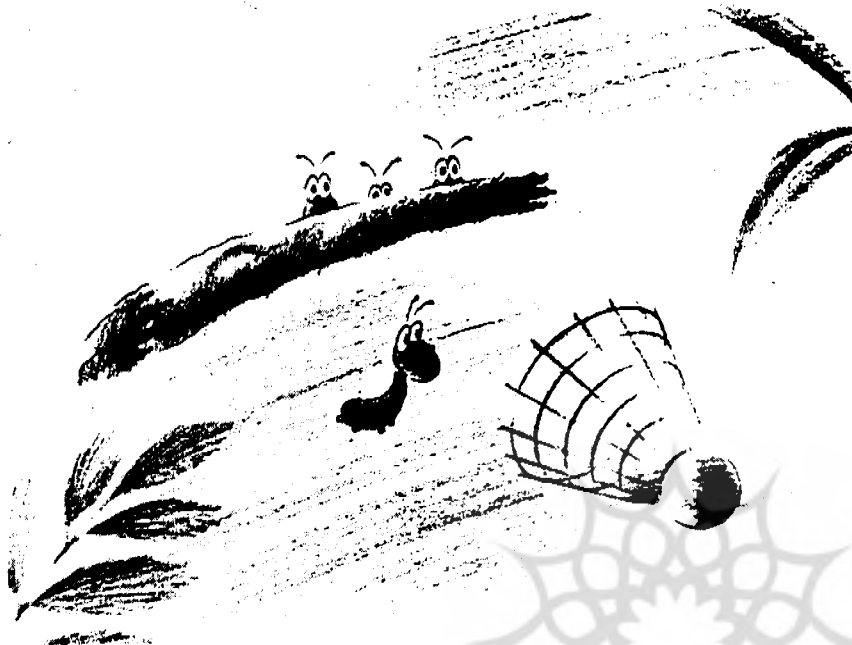
حمام نیورکا

ニユルカのサウナ Nyurka's Bath

کارگردان: اوکسانا لئونتیوونا چرکاس سووا (Oksana leontievna cherkassova)

تهیه کننده: آکساندر گراس سیموف (Alemander Gerassimoff)

داستان فیلم در مورد حمام رفتن به شکل سنتی است که در روسیه پیش از مراسم ازدواج انجام می‌شود.



گاکارین



ガガーリン Gagarin

کارگردان: آکسی کاریتیدی (Aiexij knaritidi)

تهیه کننده: آکساندر تاتارسکی (Alexander ta-tarsky)

در این فیلم، کرم صدبای کوچکی را می‌بینیم که تلاش می‌کند تا به رویاهایش جامعه عمل ببوشاند ولی سرانجام با بدبختی روبرو می‌شود.

فیلم‌های انیمیشن به کارتون استریپ‌ها (کاریکاتورهای دنباله‌دار) شباهت بسیار دارند. «گاکارین» از فیلم‌های انیمیشن است که در جای جای آن شوخی‌های کمیک، همانند آنچه که در کاریکاتور دیده می‌شود، وجود دارد.

آرامش کرم‌های کوچک در یک علفزار با سقوط توپ بدمیتونی به هم می‌خورد کرم بازگوشی که آرزوی پرواز دارد، به درون توپ می‌خزد. بدمیتون بازان توپ را یافته، لحظاتی بعد بازی را از سر می‌گیرند. توپ سرگردان به این سو و آن سو پرتاب می‌شود.

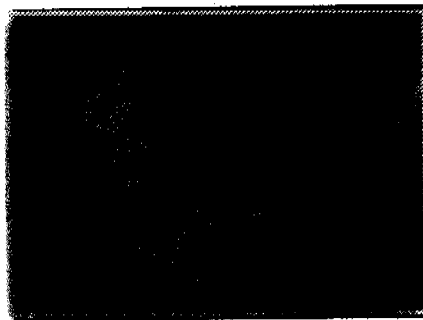
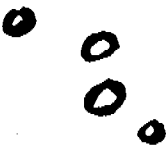
به نظر می‌رسد شباهت ظاهری توپ بدمیتون با نخستین سفینه‌های فضایی سبب پیدایش این ایده شده باشد. شاید انتخاب نام گاکارین نخستین



انسانی که به فضا سفر کرد برای کرم بازگوش، دلیلی دیگر بر تأیید این نظر باشد. به هر حال، در یکی از بازی‌ها که توپ به زمین می‌خورد کرم آرام از داخل آن به بیرون می‌خزد و کیج و منگ با حالت تهوع، فاصله‌ای را در سکوت می‌پیماید و پشت چند بوته پنهان می‌شود. سکوتی نسبتاً طولانی ایجاد می‌شود که انتظار خاصی را در بیننده برمی‌انگیزد. وقتی یکباره، صدای ناخوشایند استفرغ کرم سکوت سالن نمایش را می‌شکند، خنده حضار همانند بمبی در فضای سالن منفجر می‌شود.

وقتی کرم‌ها پیله می‌اندازند و تبدیل به پروانه می‌شوند، انتظار طولانی آنها برای پرواز به پایان می‌رسد و همه به آسمان پال کشند. این امر شامل شخصیت اصلی این داستان یعنی کرم مذکور نیز می‌شود. او تبدیل به پروانه و مهبلی پرواز می‌شود که باز اتفاق قبلی و صدای ناهنجار آن تکرار می‌شود! گویی سفر پر ماجرای قبلی گاکارین به فضا او را برای همیشه از پرواز متنفر ساخته است:

ماجرای جذاب فیلم همراه با ساختار اجرایی بسیار حرفه‌ای آن که معمولاً از ویژگی‌های انیماتورهای روس است، توانست داوران جشنواره را متقاعد سازد تا آن را از جمله فیلم‌های برگزیده اعلام کنند.



يك هنرمند

アーティスト An Artist

کارگردان میشل اکورنویر
تهیه کننده: ترژدکاری

در این فیلم، داستان دختر جوانی را می بینیم که در آشنه‌خانه ایستاده و گروه ارکستر خیالی خود را رهبری می کند. طوری که کاملاً کارهای روزانه اش را فراموش می کند. به همین دلیل پدرش او را سرزنش می کند ولی او همچنان در رویاهای مربوط به دنیای موسیقی خود فرو می رود و در آن به هنرنمایی می پردازد.

وقتی داستانی تکراری همانند تصورات یک نوجوان موضوع یک فیلم می شود، شاید مهمترین دغدغه کارگردان آن باشد که چگونه می توان این مضمون را در قالبی تازه ارائه دهد.

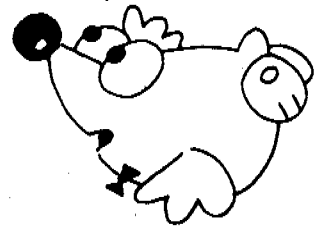
ظاهراً انتخاب قالب تازه برای یک انیماتور نباید آنچنان مشکل باشد چرا که وی بر خلاف هنمای خود در سینمای زنده با دنیایی بی کران از تکنیکهای متنوع روبروست. اما واقعیت این است که همین وسعت و بی کرانگی مشکل بزرگی را برای انیماتورها ایجاد می کند به گونه ای که قدرت انتخاب آنها را برای گزینش مناسبترین قالب به شدت محدود می سازد. به همین دلیل است که بسیاری از فیلمهای انیمیشن گرچه از تکنیک بسیار جذاب و خلاقه ای برخوردارند، ولی به دلیل عدم هماهنگی شکل و محتوا نمی توانند به خوبی با بیننده ارتباط برقرار کنند. از اینروست که فیلم در سطح باقی می ماند و غالباً نیز منتقدین آن را فیلمی فرمالیستی و شکل‌گرا ارزیابی می کنند. «هنرمند» فیلمی است که کارگردان آن موفق شده است مضمونی تکراری را در قالبی تازه، اما هماهنگ ارائه دهد.

ارزش‌های کوچک

スモールトレジャーズ Small Treasures

کارگردان: سارا وات (Sarah Watt)
تهیه کننده: سارا وات (Sarah Watt)

در این فیلم، زنی را به نام جین می بینیم که دوران بارداری خود را می گذراند. جین در کنار ساحل قدم می زند، با سگهای آبی شنا می کند و حالش بیش از همیشه خوب است. اما متوجه مشکلاتی می شود که گاهی کاملاً ساده و غیرمنتظره روی می دهند.



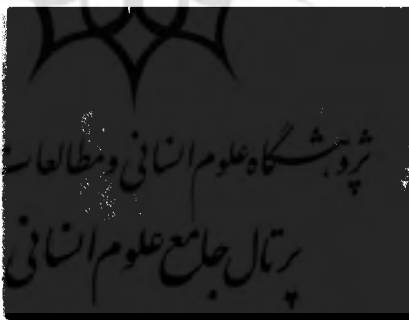
استرس استرس Stressed

کارگردان: کارن کلی (Karen Kelly)
تهیه کننده: سان بولتون (Sane Bolton)

در این فیلم، ساکنان آهار تمانی را می بینیم که به دلیل فشارها و هیجانات زندگی شهری روزهایی پر از نگرانی و اضطراب را می گذرانند. فیلم نشان می دهد که چگونه وقایع اضطراب‌آور و نگران کننده در کارهای روزمره افراد تاثیر گذاشته، و نتیجه آن دیگران را نیز تحت تاثیر قرار می دهد.

«خط» پر تحرک‌ترین عنصر بصری است که حرکت و جهت در آن نهفته است. «خط» در عین سادگی می تواند انتقال‌دهنده خصوصیات روحی روانی انسان باشد. وقتی خط به عنوان عنصر اصلی یک فیلم انیمیشن به کار گرفته می شود، یکباره همانند یک بمب قدرتی چندین برابر می یابد و خصوصیاتش تأثیری صدچندان به جای می گذارد.

«استرس» نگاهی به زندگی پر اضطراب شهرنشینی دارد. کارگردان خوب می داند که به کمک قدرت بیانی خط و همراهی درست موسیقی می تواند این معضل زندگی انسان معاصر را به بهترین شکل در قالب انیمیشن به نمایش گذارد.



هومر سیمپسونز در جهان ۳ بعدی

シン普森ズ「ホーマーキューブド」 The Simpsons Homer Cubed

کارگردان: تیم جانسون (The Jahnson)
تهیه کننده: موسسه تصویری پاسفیک دانا

هومر (Homer) هنگامی که نو میدانه تلاش می کند تا از دست خواهرزنش فرار کند، ناگهان پا به جهان سه بعدی می گذارد. او که پیش از این تنها در جهان دو بعدی زندگی کرده بود، توانست با کمک موسسه تصویری «پاسفیک دانا» از بعد جدید نیز لذت ببرد.



آزادی از دست رفته خویش را باز می‌یابد، ولی نمی‌داند که باید چه کاری انجام دهد.

اگر از شما بپرسند کشور روسیه پس از فروپاشی کمونیسم به چه می‌ماند؟ بی‌شک، آن‌را به شیر پیری تشبیه می‌کنید که زمانی بیکه‌تاز عرصه سیاست بوده است و اینک دوران کهولت خود را در پیشه‌ای می‌گذراند. «شیر یال خاکستری» در واقع کنایه‌ای به این واقعیت تلخ تاریخی از دید سینماگران ناسیونالیست این کشور است:

«شیر یال خاکستری» محبوبترین بازیگر یک سیرک بزرگ است که می‌تواند به‌روی طنابی نازک به این سو و آن سو بپرد و همه را مفتون نمایش مهیج خود سازد. اما زمان واقعی است که از آن گریزی نیست. مدیر سیرک که خود نیز دوران کهولت را آغاز کرده است، شب‌هنگام شیر پیر را با کامیون به بیرون شهر منتقل می‌کند تا روزهای آخر عمرش را در جنگل سپری کند. در اینجا، کارگردان صحنه بسیار غم‌انگیزی را در مقابل تماشاگران خلق می‌کند. در زیر نور کم‌سوی یک چراغ دستی شیر توان پایین آمدن از روی تخته شیب‌دار پشت کامیون را هم ندارد. سرانجام شیر به کمک مدیر آرام پایین می‌آید و لحظاتی بعد با دور شدن کامیون همه چیز برای شیر پیر به پایان می‌رسد. صبح صدای زنگوله گوسفندان در مرغزار نزدیک جنگل هر لحظه بیشتر و بیشتر می‌شود، گوسفندان به‌سوی شیر می‌آیند و آرام و بدون هیچ اهمه‌ای از کنار سلطان جنگل می‌گذرند.

سکانس انتهایی فیلم بسیار بی‌نظیر است. کارگردان می‌توانست فیلم را در لحظه دور شدن کامیون در شب به پایان برساند، چرا که ظاهراً نقطه اوج داستان باید تنهایی شیر در جنگل باشد. اما داستان ادامه می‌یابد و ماجرا با گذر گوسفندان از مقابل شیر به پایان می‌رسد.

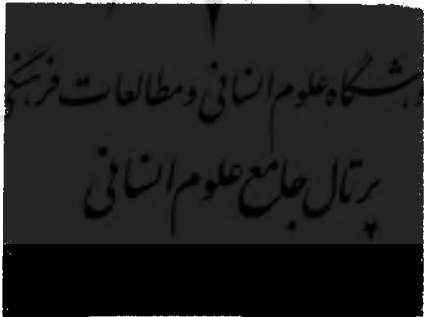
سکانس پایانی یک داستان فرعی بسیار کوتاهی است که چنانچه از فیلم حذف شود، به‌ظاهر هیچ خللی در داستان ایجاد نمی‌کند. اما همین داستان مستقل و کوتاه در واقع چکیده همه پیام فیلم است و نیز پاسخگویی همه پرسشهایی است که در طول زمان نسبتاً طولانی فیلم مطرح می‌شود.

ساختار روایی فیلم بسیار حساب‌شده و سنجیده بنا شده است و هیچ لحظه‌ای در داستان اضافی نیست. رنگهای گرم و شاد ابتدای داستان به تدریج که به پایان فیلم نزدیک می‌شویم، به سردی گراییده و به طیف خاکستری تبدیل می‌شود. استفاده اکسپرسیونیستی از رنگها در «شیر یال خاکستری» مهم‌ترین ویژگی بصری فیلم است.



اکس چایلر EX-child エクスチャイルド

کارگردان: ژاک دروئن (Jacques Drouin)
تهیه کننده: ترز دکاری (Therese Descary)
فیلم EX-child ساخته ژاک دروئن داستان سربازی است که به کشور آرام خود برگشته و پسر ۱۳ ساله و پدرش را به خدمت سربازی وا می‌دارد. در آن زمان کشور در جنگ بسر می‌برد. پسرک که قادر به درک اهمیت و عظمت جنگ نیست، با غرور زیاد به خودنمایی با تفنگ می‌پردازد با خود بیخی و تکبری که به او دست می‌دهد، احساس بزرگی شدن (کسی برای خود شدن) می‌کند. چه چیزی می‌تواند او را به حقیقت وجودیش برگرداند؟



شیر یال خاکستری

ザグレイヘアードライオン The Grey Bearded Lion

کارگردان: آندره یروویچ کریانوسکی (Andrey yzilevitch khrlenovsky)
تهیه کننده: آکساندر گراسیموو (Alexander Gerasimov)

در این فیلم، داستان دوستی یک هنرپیشه بزرگ سیرک که یک شیر است، و صاحب آن را می‌بینیم. هنگامی که سیرک تعطیل می‌شود، شیر پیر دوباره



آشیل Achilles アキレウス

کارگردان: باری جی. سی. پوروس (Barry J. C. Purves)
تهیه کننده: گلن هولبرتون (Glen Hobbler)
داستان این گونه آغاز می‌شود که پس از ۹ سال جنگ میان یونانی‌ها و اهالی ترویا، فشارهای موجود موجب ایجاد تراژدی اجتناب‌ناپذیری می‌شود که به تیرگی روابط میان «آشیل» (سردار یونان) و معشوقه بی‌پروا و وفادارش، پاتروکلوس، می‌انجامد. در این فیلم، عروسک‌هایی را به کار برده‌اند که به شکل مجسمه‌های کلاسیک یونان‌اند.

اگر مجسمه‌های داود و موسی کار میکل‌آنژ روزی به حرکت در آیند، تعجب نکنید! چرا که توانایی تکنیکی هنرمندان انیماتور به آن حدی رسیده است که می‌توانند این کار را نیز انجام دهند. ساخت خمیری این‌گونه مجسمه‌ها و جان‌بخشی به آنها همه را مفتون خود می‌سازد، به گونه‌ای که داستان فیلم در مقابل این‌گونه جذابیت‌ها محو می‌شود.



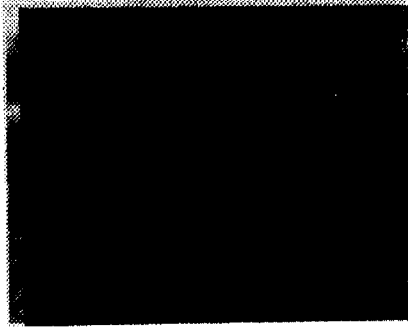


مسافرت
ザ ジャーニー
The Journey

کارگردان: رابرت دیوید گودان (Robert David)
(Gudan)

تهیه کننده: وی.سی. الف (مدرسه فیلم و تلویزیون)

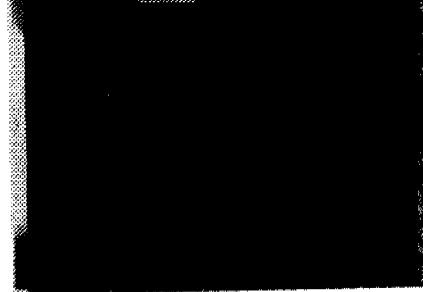
در «مسافر» روایهای زندگی صورت حقیقت به خود می‌گیرد و فیلم زندگی روحی و روانی شخصیت سمبولیک خود را طی استعاره‌هایی بیان می‌کند



گرچه در چکمه
長ぐつをはいたネコ
Puss in Boots

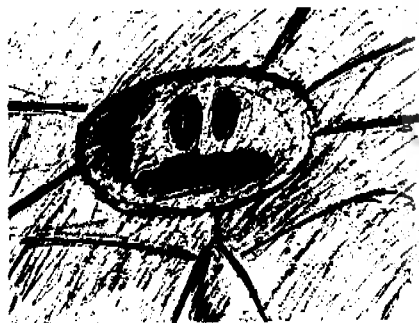
کارگردان: گری یاکوولویچ باردین (Garry ya-kovlevitch Bardin)

تهیه کننده: گری یاکوولویچ باردین
یک انیمیشن موزیکال است، اما در چه مورد؟ آیا تاکنون داستان «افسانه‌های پری» نوشته شارل پرو (Charles Perrault) را خوانده‌اید؟ خوب بهتر است آن را فراموش کنید، چرا که حالا قرن بیستم است.



در راس چاپن
オープニングタイトル [MTV トップ オブ ジャパン]
MTV Top of Japan (Open)

کارگردان: هیرونوری ترای (Hironori Terai)
تهیه کننده: یاسوناری یونکوبو، هیرونوری ترای (Yasonari yonekubo, Hironori Terai)
این فیلم در مورد برنامه‌ای است که در صدر برنامه‌های ژاپن قرار دارد (ایستگاه موسیقی تلویزیونی). جوانان آینده ژاپن در توکیو در حال ساختن بنیایی پر تحرک هستند. در میان نوجوانان و جوانان، علاقه به بازیهای کامپیوتری جنگی زیاد شده است. در توکیو، جوانان آینده با نیرو و انرژی کامل و قوی زندگی می‌کنند.



草原に暮らしていた頃
We Lived in Grass

کارگردان: آندرس هیکاد (Andreas Hykede)
تهیه کننده: میسائل جانگ فلیش

(Michael Junyfleisch)

چند نفر سوار بر بیرهای خود در میان علف‌ها سواری می‌کردند.
من قدم زدم...

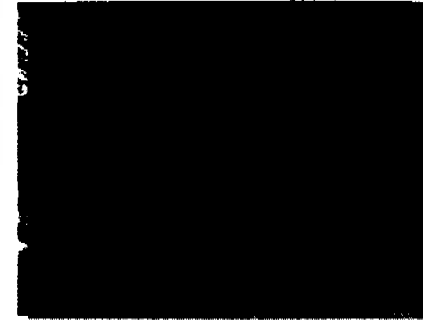


متن کامل مصاحبه با یاکوولویچ باردین، کارگردان روسی فیلم «گرچه در چکمه»، پس از ترجمه و آماده‌سازی در شماره‌های آینده از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.

□ نظرتان را در مورد جشنواره هیروشیما بفرمائید؟
■ عالی است. تکنولوژی متفاوتی در آن به چشم می‌خورد. من این جشنواره را دوست دارم.
□ موضوع فیلم‌تان چیست؟ سیاسی است؟
■ بله

□ آیا فیلم علیه دولت یا چیز دیگری است؟ موضوع چیست؟
■ این فیلم تصورات و تخیلات ذهنی را نشان می‌دهد. طبیعتاً تخیلات بد، اثر خوب نمی‌گذارد و تأثیر مثبت ندارد.

□ لطفاً در مورد داستان فیلم توضیح دهید؟
■ تلاش کرده‌ام در این فیلم همه چیز را به نمایش درآورم.
□ آیا تاکنون فیلم ایرانی دیده‌اید؟
■ بله، دیده‌ام.
□ متشکرم
■ خواهش می‌کنم، من هم متشکرم.
* موفق باشید



مدت
ピリオド
Period

کارگردان: فیلیپ بیلین (Phillippe Billion)
تهیه کننده: کوچی ناکاشیما (Koji nakashi-ma)

در فیلم «مدت» بیشتر تلاش شده تصورات هنری به تصویر کشیده شود تا آنکه داستانی تعریف گردد. در این فیلم، با فضایی غیرمعمول روبرو هستیم. فیلم «مدت» اقیانوسی سه بعدی را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد به طور مستقیم به طرف بینندگان جاری می‌شود.